

متن پرسش

یا مهدی ادرکنی: سلام علیکم. خدا بر توفیقاتتان بیفزاید ان شاءالله. استاد من سالهاست توفیق بهره گیری از مطالب حضرتعالی رو دارم بحمدالله. استاد، شوهر من شخص مومنی است نمازهاشونو با حال و شوق می خوانند قرآن رو دوست دارند و تلاوت می کنند و... اما در مواردی حق من رعایت نمیشه، چون ایشون هم نظرات حضرتعالی رو قبول دارند گفتیم به شما مراجعه کنیم. استاد عزیز، ما در خانه مان را که باز کنیم مسجد است، یعنی رو بروی خانه ما مسجد است و نماز جماعت هم برگزار می شود، همسر من که از صبح تا شب سر کار است و من چشم براه آمدنشان هستم، می‌گویند الا و لابد من باید بروم مسجد محله مادرم اینا، نماز بخوانم، چون از کودکی در آنجا خاطره دارم و....، محله زندگی ما منطقه ۴ است محله مادرشون منطقه ۱۵، فلذا از سر کار بدون این که بیان خونه_ معمولاً_ می‌روند مسجد محله شون، ۳ ساعتی طول می کشد حدود ساعت ۱۰ شب میان خونه، آن موقعی که می آیند باید برنامه کاری فرداشون رو هماهنگ کنند و معمولاً با من حرف نمیزنن. من از شدت کمبود محبت مانده ام چکار کنم. ببینید من هم به فضل خدا اهل دین و دیانتتم، عاشق اهل بیتم، اما هر زنی نیازمند محبت شوهرش است این حس را خدا در نهادش گذاشته، ایشون به این موضوع دقت ندارند. تفریح ما هم فقط خانه مادرشان است که مرا می‌گذارند آنجا و می‌روند مسجد، و من باز هم تنها هستم، در مسجد هم فقط نماز نمی خوانند که، می روند بلندگو رو می‌گیرند یاسین، دعا کمیل و...وقتی سوار ماشین می شویم برویم خانه مادرشان چون در خانه فرصت حرف زدن نیست تا می آیم حرف بزیم بهم تشر میزنن که سوار ماشین شدیم باید قرآن بخوانی، شروع می کنن چهار قل، قدر، کوثر و.... تا پیام حرف بزیم قرآن تمام شده رسیدیم، استاد من بهشون میگم پیغمبر صلوات الله می‌فرمایند ساعتی نزد همسرت بنشینی از اعتکاف در مسجد من بهتره و... زیر بار نمیرن. به هرکس میخواد ازدواج کنه میگم با یک آدم معمولی که دین معمولی داره ولی هوای زن رو داره و مسئولیت پذیره و به زنش محبت میکنه ازدواج کنید و با این مومنای این مدلی ازدواج نکنین. همیشه یاد مثال امام صادق علیه السلام می افتم و اون فرد تازه مسلمان مسیحی. استاد یعنی کار ایشون درسته؟ توقع من که میگم برو مسجد کوچه خودمون، که اتفاقاً جوان‌ها هم می آیند و می شود کار فرهنگی هم کرد، به جای مسجد محله خودشان که فقط چند پیرمرد و پیرزن می آیند، اشتباه است؟ استاد شوهر من اهل کار خیر هم هست، بنده هم قبل از ازدواج اهل کار خیر بودم اما حالا اسم کار خیر میاد چهارستون بدنم میلرزه، همسر من بخش عمده همون یه کم وقتش که میمونه رو میره دنبال کار خیر: برای فامیل و دوست و آشنا و غریبه و... میرن مرغ قربونی می کنن و بعد دونه دونه توزیع میکنن بین فقرا. کلی لباس و... از

اقصا نقاط جمع و توزیع می کنن، سبد غذایی درست میکنن بین فقرا توزیع می کنن، و هزار جور کار دیگه... که معمولا هر روز انجام میدن و وقتی برای من نمی‌ذارن. حالا اگر من بگم یه چیزی برای خونه بگیر معمولا چندین روز طول میدن که یا خودم باید برم بیرون بخرم یا با دعوا و تشر بخرن. حالا مثلا بگم پیاز بگیر میره تمدا بدترین پیاز رو که جوانه زده و ریز و بیخوده می‌خره بعد که میگم آخه یک مقدار چیز بهتر بخر شروع به نفرین میکنه که خدا نعمت رو ازش بگیر و... تو قدر نعمت الهی رو نمی‌دونی و... حال آنکه برای دیگران که میخواد بخره چیزهای خوب میخره، استاد آیا اسلام این رو میگه؟ من خودم شاغلم، به راحتی هم میتونم دست ایشون رو از همه چیز قطع کنم و خودم رئیس خانه شوم اما شرع و اخلاق بهم این اجازه رو نمیده که همسر رو از ریاست ساقط کنم حال آنکه ایشون اجازه تماشای تلویزیون رو نمیدن، آشپزخانه رو گرفته دستش، اگر خلاف میلش رفتار بشه بد اخلاقی می‌کنه و... خلاصه من علیرغم میل باطنیم مجبور میشم داد بکشم تا دست برداره، خب چرا یک مرد مومن باید زنشو به اینجا برسونه؟ همیشه بهش میگم هرکسی جای من بود از دین و دیانت زده می‌شد. نه دلخوشی نه تفریح، شما فکر می‌کنید منظور من از تفریح رستوران و شهربازیه؟ من شخصا به اینجور جاها علقه و علاقه ندارم، من دلم میخواد یه جمعه غذا درست کنم بریم زیارت شهید حجی رحمت الله علیه، بیرون چای و غذامون رو بخوریم و بیاییم. بریم گلستان شهدا، باغ رضوان سر مزار پدرم. اما ایشون فقط فقرا. فقط مسجد. تازه معتقدند عقد موقت ثواب دارد! در حالیکه اینطور نیست و ثواب ندارد حتی رهبری هم فرمودند، بعد به دوستانشون که میگن همسرانشون سرد هستند و... از بین خانمهای فقیر یک مورد صیغه ای معرفی میکنن، و من بهشون میگم این راهش نیست و اون آقا باید همسرش رو درمان کنه و الان راههای نوین و سنتی فراوانی هست، به جای اینکه بنیاد خانواده بپاشه، چون روح زمانه ما اینه که چون خانمها غالبا و اکثر خانمهای مذهبی سعی میکنن حق همسر رو ادا کنن، نمی‌پذیرن که شوهرشون دنبال این برنامه ها باشه، فلذا خانواده میپاشه... در مجموع البته من نمیگم همسر هیچ خوبی ندارن، اینطور نیست، خوبیهایی هم دارن، اما کلیت شخصیت ایشان و خیلی از آقایان متشرع با همسرشون، نوعی دگم بودن و احساس عقل کل بودن است، در حالی که زنانی که در دامان انقلاب اسلامی رشد کرده و بالنده شده اند، هیچ چیز از یک مرد کامل کم ندارند، اما برخی از مردان مذهبی به همسرشان به چشم کنیز نگاه می‌کنند، این باعث سرخوردگی شدید این بانوان میشه، استاد تصور و خواست همیشگی من از همسر مومن، کسی در افق سیره شهدا بود اما... استاد جان، تو رو خدا یه کم این مومنهارو نصیحت کنید، شاید به حرف شما گوش بدن، من میگم اگر ندیدید اون دنیا همین مرد خوش اخلاق و خوش خونه ها، که نصف شما هم دوندگی نکردن، ولی با خانوادشون خوبن، درجاتشون از شماها بالاتر نبود. استاد حق و حقوق زن چیه در زندگی؟ آیا این دین عمرگونه درسته؟ سپاس از لطف شما

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همین‌طور که تشخیص داده‌اید این افراد بعضاً میدان عمل را و گشودگی نسبت به آن‌جایی که باید گشوده باشند را، فراموش می‌کنند. مسلماً در تنهایی ابدی‌شان از این نوع خلأهایی که در این دنیا پر نکرده‌اند اذیت می‌شوند. انسان عاقل انسانی است که متوجه شود وظایف او در این صحنه و این زمان و این شرایط چیست. آقای قرائتی می‌فرمودند میهمان پدر شهیدی بودیم و برای تجدید وضو مجبور شدم پله‌های زیادی را پایین بروم. همین‌که وضو گرفتم دیدم پدر پیر آن شهید حوله‌ای را جهت خشکاندن دست و صورتم تقدیم کرد. به او گفتم مستحب است آب وضو را خشک نکنیم. و او گفت همان خدایی که گفته است آب وضو را خشک نکنید، نگفته است دست ردّ به عطایی که پدر شهیدی این‌همه پله را طی کرده و آورده است، نزنید؟!

قصه ما مذهبی‌ها همین‌طور است. یک‌جایی را در نظر می‌گیریم و جاهایی را در نظر نمی‌گیریم. خوشا به حال مؤمنینی که با گشودگی خود همه جوانب را در نظر می‌گیرند و به وسعت انسانی خود نسبت به همه انسان‌ها فکر می‌کنند. موفق باشید